

# هشدار شدید اقتصاددانان

در بیانیه 61 اقتصاددان درباره تحولات اقتصادی کشور آمده است

## ایران در آستانه تورم سه رقمی

نگرانی عمومی مردم از تامین معیشت و پایداری کسبوکارهای خود

گروه اقتصادی

61 اقتصاددان کشور در نامه‌ای سرگشاده به مردم ایران نسبت به شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور و سیاست جراحی اقتصادی واکنش نشان داده و ریشه مشکلات اقتصادی امروز را در عوامل غیر اقتصادی دانسته‌اند. بنابراین از دیدگاه امضاکنندگان این بیانیه، اصلاحات اقتصادی کشور نیازمند افق‌گشایی و بهبود حکمرانی است. در این بیانیه که به امضای برخی از چهره‌های آکادمیک اقتصادی نزدیک به نهادگرایان رسیده، نام محمد ستاری‌فر، اقتصاددان و رییس اسبق سازمان برنامه و بودجه، محمد حسین شریفزادگان استاد دانشگاه بهشتی و وزیر اسبق رفاه، بهروز هادی زوز استاد دانشگاه علامه طباطبایی و حجت‌الله میرزایی از همین دانشگاه نیز دیده می‌شود.

امضاکنندگان این بیانیه عنوان کرده‌اند در آغاز سال 1401، روند آشفستگی اجتماعی و نگرانی عمومی مردم از تامین معیشت و پایداری کسبوکارهای خود، به مرحله انفجاری رسیده است. از نظر آنها، چیزی که «جراحی اقتصادی» نامیده شده افزایش نرخ ارز و شوک‌های متعدد و تشدید بی‌ثباتی اقتصادی است و این جراحی در شرایطی رخ داده که «درباره آغاز و پایان، دامنه و چارچوب و عمق این جراحی و گام‌های بعدی یا پیامدهای این جراحی با مردم صحبت نشده است.» اقتصاددانان امضاکننده این بیانیه معتقدند: «مقدمات اجرایی لازم برای جبران خسارت تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان بسیار شتابزده اجرا شده و فقط یک اقدام موقت برای حل مشکل عاجل کسری بودجه در شرایط تحریم و بحران جهانی قیمت مواد غذایی است و آن را نمی‌توان برنامه اصلاحات

اقتصادی نامید.» به گفته آنها «مارپیچ افزایش نرخ ارز- تورم، کشور را در معرض خطر بروز تورم سه رقمی و افسار گسیخته قرار داده است.» ضمن آنکه «فساد گسترده و سقوط سرمایه اجتماعی، تقویت مناسبات رانتی به ویژه در عرصه تجارت خارجی و بازارهای مالی، افت شدید سرمایه‌گذاری در طول دو دهه گذشته همراه با تورم شدید، چشمانداز آینده اقتصاد ایران را تیره کرده و به خروج ناگزیر فزاینده، خسارت‌بار و غیرقابل جبران سرمایه‌های مالی و فکری به کشورهای مختلف جهان انجامیده است.» از دیدگاه این اقتصاددانان «وضعیت اقتصادی ایران براساس مجموعه گسترده‌ای از شواهد، بسیار نگران‌کننده است و چشماندازی برای بهبود و برون‌رفت از آن نیز وجود ندارد.»

امضاکنندگان در انتهای این بیانیه نیز 5 پیشنهاد برای برون‌رفت از این وضعیت ارائه کرده‌اند.

**متن بیانیه گروهی از اقتصاددانان کشور به این شرح است.**

مردم شریف ایران، هم‌میهنان عزیز  
با سلام و احترام،

با استقرار دولت سیزدهم و ایجاد حاکمیت سیاسی به ظاهر یک دست و حذف رقیبان سیاسی از نهادهای انتخابی کشور، برخی از تحلیلگران، امیدوارانه یا ساده‌انگارانه از تسریع در حل‌وفصل نهایی مناقشه هسته‌ای با غرب و شکل‌گیری دولتی با پشتیبانی حداکثری صاحبان قدرت سیاسی و نیروهای نظامی و امنیتی و رسانه‌های رسمی برای مقابله با فساد و اخلال در محیط عمومی کسبوکار و دستیابی به ثبات اقتصاد کلان سخن می‌گفتند. به ویژه که دیدگاه‌ها، برنامه‌ها و وعده‌های جناب آقای ریسی در مقام کاندیدای ریاست‌جمهوری از ایجاد دولتی فراگیر با بهره‌گیری موثر از ظرفیت عظیم دانش و تجارب مدیریتی کشور خبر می‌داد. گفته می‌شد برای حل‌وفصل مسائل مهمی چون تورم، بیکاری و تعطیلی بنگاه‌های اقتصادی، یک برنامه اصلاحی هفت هزار صفحه‌ای با پشتوانه ده‌ها پژوهش‌شده و دانش‌شده اقتصاد کشور آماده کرده‌اند و اجرا خواهند کرد.

جناب آقای ریسی وعده داده بودند بدون گره زدن معیشت مردم و اداره اقتصاد کشور به مذاکرات هسته‌ای، رشد اقتصادی 5 درصدی، تولید سالانه یک میلیون شغل و یک میلیون واحد مسکونی جدید، کاهش نرخ بیکاری و از بین بردن سریع فقر مطلق تحقق خواهد یافت. نرخ تورم 50 درصد کاهش و سپس تکریمی خواهد شد. صادرات غیر نفتی ایران از 35 میلیارد دلار در سال 1400 به 70 میلیارد دلار در سال 1404 خواهد رسید و کل نیاز ارزی کشور از محل صادرات غیر نفتی تامین

خواهد شد.

در همان زمان کارشناسان و صاحبان نظران اقتصادی و سیاسی بسیاری با دوراندیشی و دلسوزی هشدار دادند که بدون دستیابی به توافق زودهنگام در مذاکرات وین - پس از گفت‌وگوهای طولانی و فرساینده دوساله - تحقق چنین وعده‌هایی ناممکن خواهد بود. در صورت توافق در مذاکرات هسته‌ای و پذیرش توافق‌نامه‌های جهانی مبادلات مالی (FATF) و همزمان با پایان همه‌گیری کووید-19 با وجود ظرفیتهای بدون استفاده انسانی و فیزیکی و تعداد بسیاری پروژه‌های ناتمام و نیز میلیاردها دلار منابع ارزی مسدودشده در خارج از کشور، بخشی از این وعده‌ها و نویدها قابل تحقق می‌بود و البته تحقق کامل آن نیز نیازمند و مشروط به برخورداری از حکمرانی مطلوب و توسعه‌گرا و برنامه‌ای اندیشیده است.

اما با تاسف بسیار از آغاز سال 1401، با افزایش خبرهای ناامیدکننده از نتایج مذاکرات هسته‌ای و شوک‌های سیاستی متعدد دولت به اقتصاد کشور از جمله در بازار کار و بازار کالاها و خدمات و سپس حذف ارز ترجیحی واردات کالاهای اساسی، روند آشفتگی اجتماعی و نگرانی عمومی مردم از تامین معیشت و پایداری کسب‌وکارهای خود، به مرحله انفجاری رسیده است. نرخ ارز با روندی پرشتاب افزایش یافته تا رکورد جدیدی در تورم ماه‌های ابتدای سال و افزایش نرخ ارز بر جای گذارد. ایجاد شوک‌های متعدد و تشدید بی‌ثباتی اقتصاد کلان از سوی سیاست‌گذاران رسمی «جراحی و اصلاحات اقتصادی» و «تصمیم‌های سخت برای اقتصاد» نامگذاری شده است بی‌آنکه درباره نتایج و پیامدهای پدیده این تصمیمات اندیشیده شود و بی‌آنکه درباره آغاز و پایان، دامنه و چارچوب و عمق این جراحی و گام‌های بعدی یا پیامدهای این جراحی سخنی با مردم گفته شود. پیش‌نیازها و لوازم ناگزیر جراحی اقتصادی چون ساختار و کارکرد حکمرانی، برخورداری از سطح مناسبی از اعتماد و مقبولیت عمومی و نیز برقراری ثبات اقتصادی به کلی مورد بی‌توجهی واقع شدند. در ماه‌های گذشته با وجود محدودیت‌های غیررسمی برای رسانه‌های مستقل، بسیاری از کارشناسان، صاحب‌نظران اقتصادی و اجتماعی، مدیران و صاحبان کسب‌وکارها هشدارهای متعددی درباره نتایج هولناک انفعال در سیاست خارجی و سیاست‌های نااندیشیده و پراشتباه اخیر اعلام کرده‌اند.

اینک امضاکنندگان این نامه که گروهی از اقتصاددانان و کارشناسان اقتصادی کشور هستند، براساس مسوولیت‌پذیری ملی و اجتماعی و تعهد اخلاقی و حرفه‌ای به مردم، تحلیل علمی، نگرانی شدید و هشدارها و برخی راهکارهای خود را برای کمک به اصلاح سیاست‌ها و کاهش نگرانی‌های عمومی شما مردم عزیز ایران اعلام می‌دارند.

## مروري اجمالي بر سياست جراحي اقتصادي دولت

پس از موافقت مجلس با حذف ارز ترجيحي 4200 توماني، در خلال گفت‌وگوي رييس‌جمهوري در برنامه تلويزيوني نوزدهم ارديبهشت‌ماه سال 1401، برنامه «اصلاحات اقتصادي» دولت آغاز شد. اصلاحاتي که دلار 4200 توماني را از گروه‌هاي کالايي لبنيات، خوراک دام و توليد مرغ، تخم‌مرغ و روغن و بخشي از دارو و تجهيزات پزشکي حذف کرد. اين کالاها با عنوان کالاهاي اساسي در سبد خانوار شناخته ميشوند. البته پيش از اين تصميم، با حذف يارانه آرد صنف و صنعت در فروردين‌ماه، کالاهايي مانند ماکاروني، انواع کيک، نان‌هاي حليم و محصولات قنادي نیز از ليست مشمولان دريافت ارز ترجيحي خارج شده بودند.

اين سياست دولت که «جراحي اقتصادي» نامگذاري شده، بسيار شتابزده و بدون تمهيد مقدمات اجرايي لازم براي جبران خسارت توليدکنندگان و مصرف‌کنندگان اجرا شده و فقط يك اقدام موقت براي حل مشکل عاجل کسري بودجه در شرايط تحريم و بحران جهاني قيمت مواد غذايي است و آن را نمي‌توان برنامه اصلاحات اقتصادي ناميد.

دولت و مجلس در شرايطي ارز ترجيحي کالاهاي اساسي را حذف و آن را به عنوان آغاز جراحي اقتصادي برگزيده‌اند که هزاران ميليارد تومان هزينه‌هاي غير ضروري و مبهم و قابل حذف در بودجه سالانه پيش‌بيني شده و حذف دايم يا موقت آن هيچ آسيبي نه به کليت و ماموريتهاي اصلي دولت و نه معيشت عمومي مردم نخواهد زد. همچنين اين سياست پرخطر در نگران‌کننده‌ترين شرايط امنيت غذايي جهان (با وجود خطر بروز گرسنگي و فقر غذايي در سطح جهاني) اجرا شده است. تا امروز، هيچ اطلاعي از چند و چون مالي اين سياست و منابع و مصارف و ميزان ناترازي آن در دسترس نيست و حتي براي اولين بار در چند دهه اخير جداول اطلاعات منابع و مصارف يارانه‌هاي آشکار (جدول تبصره 14 بودجه عمومي دولت) به همراه بقيه بخش‌هاي قانون بودجه انتشار نيافته و قابل ارزيابي و اظهارنظر نيست.

هشدار ما به دولتمردان اين است که وضعيت کشور بسيار شکننده است و اصرار بر حذف يارانه‌ها در اين دوران فلاکت‌بار، کاسه صبر مردم را لبريز خواهد کرد و نظام و دولت را روياروي مردم قرار خواهد داد. رويارويي که براي هر دو سوي اين مقابله مي‌تواند بسيار پر هزينه باشد. بديهي است که بعد از بازگشت وضعيت عادي به اقتصاد کشور و بازارهاي غذا در سطح جهاني و ايجاد پيش‌نيازها و لوازم مورد نياز در کيفيت حکمراني و برقراري ثبات اقتصاد کلان و کاهش تنش‌هاي اجتماعي، مي‌توان بر اساس يك برنامه سنجيده نسبت به انجام اصلاحات اقتصادي از جمله يکسان‌سازي نرخ ارز و اصلاحات در بازارهاي چهارگانه اقتصاد و ساماندهي يارانه‌هاي مصرفي اقدام کرد. در آن

حالت نیز قطعا حمايت از گروه‌هاي آسیب‌پذير بايد مورد نظر قرار گیرد. اجرائي موفق اصلاحات اقتصادي نیازمند برخي پیش‌شرط‌هاي ضروري و ناگزير در سطح اقتصاد کلان شامل موارد زیر است.

- برخورداري از درآمدهاي صادراتي نفتي و غير نفتي و ذخاير کافي و اطمینان‌بخش عرضه ارز براي مدیریت نوسانات احتمالي
- تدوين سياست‌هاي روشن و کارآمد براي ايجاد ثبات در اقتصاد کلان با کنترل عوامل مالي و بودجه‌اي تورم‌زا
- دسترسي کم‌هزينه به بازارهاي جهاني از جمله بازار کالاها و خدمات اساسي و نیز منابع و روش‌هاي مناسب و کم‌هزينه تامین مالي در صورت ضرورت

در صورت اصرار سياست‌گذاران بر تداوم اين رويه ناصواب و پرمخاطره، دولت و حاکمیت و رسانه‌هاي آن، با صراحت و شجاعت مسوولیت سياست‌هاي اجراشده و همه پیامدهاي اجتماعي و سياسي آن را برعهده گیرند و از نسبت دادن آن به مین‌گذاري‌هاي پیشین یا فشارها و القائات اقتصاددانان خارج از دولت بپرهیزند و نقدهاي کارشناسان و دغدغه‌مندان اقتصاد ملي را با چوب و دشنام مخالفت با نظام یا کارشکني در مقابل دولت نرانند. اين شکل و فرآیند سياست‌گذاري دستکم با دیدگاه‌هاي هیچ‌یک از رویکردهاي علمي و شاخص اقتصاددانان در ايران مناسبتی ندارد.

تصويري از روند شاخص‌هاي اقتصاد کلان و چشم‌انداز توسعه ايران توسعه نیازمند «جامعه قوي - دولت قوي» است که دولت توانمند، پيريزي بسترها و مناسبات (در قالب کالاهاي عمومي و حاکمیتی) را براي توانمند شدن جامعه پیشه خود مي‌کند. جامعه توانمند نیز براي دستیابی به رفاه بیشتر، اشتغال بیشتر، عدالت اجتماعي همه‌جانبه، برخورداري از امنیت و آرامش، سخت نیازمند دولت توانمندی است که بتواند مسیر توسعه را با اعمال حاکمیت توسعه‌گرا و سياست‌گذاري تسهیل‌گر بگشاید.

بنا بر گزارش‌هاي معتبر مقایسه‌اي در سطح جهاني، شاخص‌هاي فضاي عمومي کسب‌وکار، کیفیت حکمراني، ادراك فساد، رقابت‌پذيري اقتصادي، حقوق مالکیت و ... که بنیان‌هاي رشد بلندمدت و فراگیر و توسعه پایدار را ايجاد مي‌کنند، روندی کاهنده داشته و ايران را در رتبه‌هاي پایین جهاني نشان مي‌دهد. به‌طور مثال در آخرین سنجش و مقایسه کشورها در مقابله با فساد از میان 180 کشور، رتبه ايران 150 بوده است و رتبه ايران در شاخص حکمراني خوب از حدود 200 کشور 127 بوده است. شاخص اعتماد اجتماعي که نمایانگر سرمایه اجتماعي است و پس از پیروزي انقلاب اسلامي و در سال 1360 به حدود 70 درصد

افزایش یافته بود، در سال‌های اخیر به سطح بسیار نگران‌کننده حدود 20 درصد تنزل یافته است. نسبت ازدواج به طلاق از 14 در اوایل انقلاب به حدود 3 سقوط کرده است.

شوربختانه در نتیجه حکمرانی ضعیف، نتوانسته‌ایم از فرصت‌های طلایی سرمایه عظیم انسانی و خلاق کشور و عایدات درخور توجه نفتی و پنجره جمعیتی برای دستیابی به رشد سریع اقتصادی استفاده کنیم. از آغاز انقلاب بیش از 1300 میلیارد دلار از محل صادرات نفتی عاید کشور شده است. در این دوره کشور وارد پنجره جمعیتی شده که در آن ساختار سنی جمعیت بیش از هر زمان دیگر برای رشد اقتصادی سریع مناسب بوده است. اما با این‌همه رشد درآمد سرانه کشور در این دوره بسیار اندک و کمتر از یک درصد بوده است. در همین دوره سرمایه اجتماعی به شدت کاهش یافته، خروج ناگزیر و بلکه اخراج سرمایه انسانی در مقیاس بزرگ رخ داده، فساد مالی گسترش یافته و تخریب منابع طبیعی و محیطزیست، کشور ما را در آستانه بحران درازمدت قرار داده است.

میانگین رشد تولید ناخالص داخلی ایران در دوره 1358 تا 1399 (2018 - 1980)، حدود 1.6 درصد بوده است، درحالی که میانگین رشد کشورهای چین، هند، ترکیه، مالزی، امارات و پاکستان در همین دوره بین 4 تا 10 درصد بوده است. این رشد اندک به رغم این واقعیت تحقق یافته که حدود نیم سده پیش، چشم‌انداز رشد اقتصادی ایران بهتر یا هم‌پای این کشورها ارزیابی می‌شد. در نتیجه رشد پایین اقتصادی، سهم اقتصاد ایران از اقتصاد جهانی در همین دوره به نصف رسیده و از یک درصد به حدود 0.5 درصد کاهش یافته است.

اقتصاد ایران در دهه گذشته و در اثر تحریم‌های ظالمانه و کم‌سابقه و نیز همه‌گیری کووید-19 در سال‌های اخیر، عمیق‌ترین رکود تورمی هفت دهه گذشته را با نرخ رشد اقتصادی (میانگین) نزدیک به صفر، نرخ تورم (میانگین دو رقمی و بیش از 20 درصد)، نرخ منفی و نزولی تشکیل سرمایه ثابت ناخالص که در سه سال اخیر حتی از جبران استهلاک هم کمتر بوده است و باز نگران‌کننده‌تر آنکه سالانه با برآوردهای خوش‌بینانه ده میلیارد دلار و با برآوردهای بدبینانه تا بیست میلیارد دلار سرمایه مالی از ایران خارج شده است. در 10 سال گذشته، نرخ بهره‌وری عوامل تولید روندی کاهنده و نگران‌کننده داشته و نرخ ارز افزایشی بیش از 30 برابر (3000 درصدی) را پشت سر گذاشته است. باوجود آنکه نرخ بیکاری در سطح ملی همچنان پایین‌تر از 10 درصد اعلام شده اما در استان‌های کم‌برخوردار (غالباً مرزی) بالاتر از 15 درصد، متوسط نرخ تورم در چهار دهه اخیر 20 درصد و در سه سال اخیر بیش از 35 درصد و شاخص فلاکت حدود 50 درصد و تورم سال 1400 بیش از 40 درصد بوده است. از سوی دیگر با آغاز تحریم‌ها و کاهش

درآمد صادرات نفت، واردات ایران از 70 میلیارد دلار در سال 1390 به حدود 35 میلیارد دلار در سال 1400 کاهش یافته است. برآیند تحولات یادشده، نابرابری توزیع درآمد و گسترش فقر در جامعه بوده است. مرکز آمار ایران، میانگین ضریب جینی در ایران در فاصله سالهای 1390 تا 1397 را ۱۰.۴۰۸ اعلام کرده است. اگر این شاخص را ملاک قرار دهیم، ایران طی سالهای مورد نظر یکی از نابرابرترین جوامع در خاورمیانه بوده که خود یکی از نابرابرترین مناطق جهان است. بر اساس این گزارش، طی همان سالها به طور متوسط یک درصد از جمعیت ایران مرکب از ثروتمندترین قشر جامعه، 16.3 درصد درآمد کل را در اختیار داشته است، این عدد معادل سهمی است که به ۴۰ درصد مرکب از محرومترین اقشار جامعه رسیده است. گزارشهای رسمی نابرابری در برخورداری از مسکن، آموزش و سلامت بسیار تاسفبارتر و در سپهری اجتماعی و آینده‌نگر نگران‌کننده‌ترند. گزارش وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی گویای آن است که با رشد شدید قیمت سبد خط فقر طی سالهای 1397 و 1398، نرخ فقر از ۲۲ درصد در سال 1396 به ۳۲ درصد در سال 1398 رسیده به این معنا که در سال 1398، ۳۲ درصد از جمعیت کشور معادل 26.5 میلیون نفر زیر خط فقر قرار داشته‌اند و متأسفانه برآوردها حاکی از افزایش آن تا حدود 40 درصد خانوارهای ایرانی در سال 1400 است. در دهه گذشته با نرخ رشد اقتصادی نزدیک به صفر و رشد جمعیت حدود 13 درصدی، به‌طور متوسط هر ایرانی 13 درصد فقیرتر شده است اما تورم و سازوکارهای نابرابری‌سازی چون ناکارآمدی سیاست‌های بازتوزیع و فساد باعث شده بار اصلی این فقر به دهک‌های درآمدی متوسط و پایین و مزد و حقوق‌بگیران و بیکاران و شاغلان بخش غیررسمی اقتصاد منتقل شود.

مهم‌ترین عامل اثرگذار بر وضعیت معیشت خانوار و افزایش نرخ فقر، تحولات اقتصاد کلان طی یک دهه گذشته یعنی دوران تشدید تحریم‌های بی‌سابقه اقتصادی، مالی، تجاری و فناوری بوده است. نگاهی به متغیرهای اقتصاد کلان دو دلالت بسیار مهم بر وضعیت معیشت ایرانیان دارد، اول کاهش رفاه و بدتر شدن وضعیت معیشت همه خانوارهای ایرانی و دوم کاهش رفاه شدیدتر در گروه‌های پایین درآمدی. با وجود آنکه حداقل مزد قانونی برای سال 1401 به میزان 57 درصد افزایش یافته، ولی همین مزد که البته بخش بزرگی از شاغلان غیررسمی را در برنمی‌گیرد، معادل روزانه حدود 4.7 دلار و برای یک خانوار 3 نفره برابر 1.57 دلار است که زیر خط فقر جهانی 2 دلار در روز قرار می‌گیرد. به علاوه بسیاری از بنگاه‌های بزرگ که با افزایش شتابان هزینه‌ها و کاهش تقاضا مواجهند، به تعدیل نیروی انسانی خود اقدام کرده‌اند و یعنی با کاهش سهم دستمزد در درآمد ملی، کارگران

بازندگان اصلي اين سياست بوده اند.

افزايش مستمر نرخ ارز و پيامدهاي ناگزير آن بر حجم نقدينگي از يكسو و کاهش منابع درآمدي و رشد غيرمتعارف و سريع هزينه‌هاي دولت از سوي ديگر، به كسر بودجه عظيمي منجر شده كه منشأ اصلي شتابگيري تورم است. ماريچ افزايش نرخ ارز- تورم، کشور را در معرض خطر بروز تورم سه رقمي و افسار گسيخته قرار داده است. فساد گسترده و سقوط سرمايه اجتماعي، تقويت مناسبات رانتي به ويژه در عرصه تجارت خارجي و بازارهاي مالي، افت شديد سرمايه‌گذاري در طول دو دهه گذشته همراه با تورم شديد، چشمانداز آينده اقتصاد ايران را تيره کرده و به خروج ناگزير فزاينده، خسارت‌بار و غيرقابل جبران سرمايه‌هاي مالي و فكري به کشورهای مختلف جهان انجاميده است.

در چند سال اخير با افزايش نرخ ارز و رشد سرطاني كسر بودجه، دولت به ناگزير در مقاطعي به افزايش قيمت حاملهاي انرژي اقدام کرده و امسال ارز يارانه‌اي براي واردات كالاهاي اساسي را حذف نموده است. ولي تجربه نشان مي‌دهد كه تاثير اينگونه سياستها با توجه به فساد گسترده و سقوط سرمايه اجتماعي افزايش نرخ ارز و ساختار بيمار بودجه بسيار کوتاه مدت بوده و كسر بودجه به فاصله كوتاهي با ابعاد گسترده بروز مي‌کند. يارانه‌هاي مستقيم پرداختي هم به هيچوجه به جبران کاهش قدرت خريد عمومي و جلوگيري از سقوط معيشتي مردم كمكي نکرده است و سياست‌هاي پولی و مالی دولت به عامل تشديد واگرایی روزافزون تبديل شده است.

به زبان خلاصه وضعيت اقتصادي ايران براساس مجموعه گسترده‌اي از شواهد، بسيار نگران‌کننده است و چشماندازي براي بهبود و برون‌رفت از آن نیز وجود ندارد و بلکه روند نزولي شاخصهاي عملکرد نهادي (كيفيت حکمراني، محيط عمومي کسبوکار، فساد، رقابت‌پذيري اقتصادي، نوآوری و ...) و نیز شاخصهاي مهمي چون خروج سرمايه مالي و سرمايه انساني از يك سو و نرخ نزولي سرمايه‌گذاري اقتصادي در سالهاي اخير، هشدار آينده‌اي بسيار نگران‌کننده‌تر را براي اقتصاد ايران همراه دارد.

### **مردم شريف و صبور ايران، ايرانيان عزيز**

متاسفانه شاخصها و شواهد بيان شده، تنها اعدادي روي کاغذ نيست بلکه حکايت جانکاه از ميان رفتن اميد، افق روشن و فضاي مناسب براي توليد و فعاليت کسبوکارها، فقر فزاينده و کاهش مستمر قدرت خريد و کوچك شدن سفره معيشتي مردم است. نتيجه روشن مواجهه طولاني با اين تورم مهيب و غول‌آسا و افزايش مداوم نرخ ارز، احساس بي‌قدرتي اجتماعي و زوال تدريجي است. نابرابري و شکاف درآمدي و



دارایی برآمده از تورم و فساد و کژکارکردی سیاست‌های مالی و پولی، اعتماد و همزیستی را به کینه و نفرت میان برندگان و بازندگان این روند و گسیختگی و تخریب سرمایه اجتماعی بدل کرده است. از سوی دیگر متاسفانه در فضای کنونی کشور که ردای تقدس بر سیاست‌گذاری اقتصادی و اجتماعی پوشانده شده است، هر انتقادی از دولت نشانه توطئه‌ای خبیثانه علیه نظام تلقی می‌شود و طرح صریح این مسائل از سوی محافل کارشناسی یا دانشگاهی می‌تواند پرهزینه باشد. اما دشوارتر از آن قبولاندن این واقعیت به حاکمان و سیاست‌گذاران است که روزگار سخت مردم ایران هم‌اکنون محصول سوءتدبیر آنها در دراز مدت است.

بسیار ساده‌اندیشانه است اگر ریشه این نابسامانی را صرفاً در عوامل اقتصادی و مالی همچون کسری بودجه بزرگ و فزاینده جست‌وجو کنیم. مسائل اقتصادی و اجتماعی ما از جمله، تخریب و زوال منابع طبیعی و زیست‌محیطی، فساد سیستماتیک و عمیق، تخریب سرمایه اجتماعی، مهاجرت گسترده سرمایه انسانی و خلاق و خروج سرمایه مالی و نیز همین کسری بودجه و حتی تحریم‌ها در یک تحلیل عام‌تر محصول حکمرانی ضعیف و بی‌توجهی به مبانی علمی سیاست‌گذاری عمومی است.

ای کاش سیاست‌گذاران ما با دوران‌دیشی درمی‌یافتند که اکنون زمان زورآزمایی در عرصه جهانی و ملی نیست.

ای کاش رئیس محترم جمهوری می‌دانستند که سیاست‌گذاری اقتصادی، عرصه کارآموزی و آزمون و خطا و تصمیمات شتابزده و دستکاری‌های نااندیشیده قیمت‌ها و مولفه‌های کلیدی و پرتاثر نیست، برخورداری از اعتماد و پشتیبانی روانی و سرمایه اجتماعی مناسب، برخورداری از فضای باثبات و مبتنی بر همزیستی و همکاری بین‌المللی و بالاخره برخورداری از دیوانسالاری قدرتمند و برخوردار از دانش و فناوری روز، برخی از ضرورت‌های اصلاحات یا به تعبیر آنان «جراحی اقتصادی» است.

### هم‌میهنان عزیز

با بازخوانی تجارب جهانی و براساس تحلیل علمی و کارشناسی صاحب‌نظران ملی و امضاکنندگان این نامه، نخستین گام برای برون‌رفت از این وضعیت دشوار، تغییر اساسی راهبردها و سیاست‌های خارجی و گام دوم تغییر در شیوه حکمرانی در داخل کشور است. به زبان کوتاه، راه‌حل مسائل بفرنج اقتصادی و اجتماعی امروز ایران و جبران جاماندگی در رقابت نفسگیر اقتصاد جهانی نیازمند دو گام بلند است:

1- اصلاح بنیادین در سیاست خارجی و در پیش گرفتن سیاست همزیستی و

همکاری مسالمت‌آمیز و عزتمندانه با همسایگان و کشورهای منطقه و تعامل متوازن و فعال با قدرتهای بزرگ اقتصادی و توجه به خواسته‌های حداقلی مردم شریف ایران در زمینه بهبود وضعیت معیشتی و ارتقای جایگاه ایران در جهان است. بدون احیای توافق برجام و خروج از محدودیت‌های اعمال‌شده بر بخش بانکداری ایران توسط FATF، نمی‌توان در اقتصاد ایران از سیاست ثبات اقتصاد کلان و دسترسی کم‌هزینه به بازارهای جهانی سخن به میان آورد.

2- جراحی و اصلاحات عمیق اقتصادی بدون بهبود کیفیت حکمرانی به فسادی عمیق و فقر و نابرابری جبران‌ناپذیر و بی‌ثباتی‌های سیاسی و اجتماعی فرساینده منجر خواهد شد. مهم‌ترین اصلاحات و پیشنهادهای ضروری در عرصه حکمرانی به شرح زیرند:

• بهبود کیفیت حکمرانی؛ قانونمداری حداکثری و بی‌کم و کاست در همه سطوح، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری حاکمیت در قبال تصمیمات خود و مطالبات عمومی.

• به حداقل رساندن فساد سیاسی و اقتصادی، به‌کارگیری سازوکارهای شفافیت حداکثری و بی‌کم و کاست و فراگیر برای فرآیندها و ساختارها و پیامدهای همه سیاست‌ها و تصمیمات، تخصیص‌ها و انتصابات.

• ایجاد نظام قضایی مستقل، سالم، عادلانه، در دسترس و ارزان و قابل اعتماد و پناهگاه برای همه گروه‌های اجتماعی.

• پذیرش و کمک به ایجاد فضای گفت‌وگو، نقد و نظارت همگانی برای انجمن‌های علمی، دانشگاه‌ها، نهادهای مدنی و تشکلهای فراگیر رسته‌ای و تخصصی و رسانه‌های مستقل و التزام عملی کامل به قواعد آن.

• برخورداری از نظام اجرایی و دیوانسالاری اجرایی قدرتمند و پاسخگو و برخوردار از بانک‌های اطلاعاتی بهنگام و موثق.

• برخورداری از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی قدرتمند و بهنگام برای اجرای سیاست‌های حمایتی و یارانه‌ای هدفمند و پرداخت‌های مشخص برای گروه‌های هدف مشخص، خرید کالاها و خدمات مشخص از مراکز مشخص و در زمان مشخص.

• ایجاد و بسط پوشش نظام رفاه و تامین اجتماعی و بیمه‌های درمان کارآمد از محل منابع مالیات منصفانه و کارا (و نه فشار مالی مضاعف بر منابع بحرانی صندوق‌های بازنشستگی).

• ایجاد فضای رقابت در میان کوشندگان و صاحبان کسب‌وکار بخش خصوصی و پرهیز جدی از دامن زدن به انحصار دولتی یا شرایط امنیتی در بازارهای اقتصادی.

• طراحی و اجرای نظام انگیزشی تولیدگرا و مشوق بخش مولد و

محدودکننده فعالیتهای ویرانگر و غیرمولد. همچنین چند پیشنهاد اجرایی روشن برای سامان دادن به آشفتگی کنونی خطاب به دولتمردان قابل طرح است:

1- رییس محترم جمهوری گزارشدهی شفاف و بدون ابهام درباره برنامه و سیاستهای اقتصادی و منابع و مصارف آن و گفتوگوی کارشناسی با صاحبان تخصص و تجربه را بر خود و همکاران اصلی‌شان الزامی کنند و در مقابل تصمیمات خود شجاعانه پاسخگو باشند.

2- گزارش منابع و مصارف یارانه برقرار شده جدید و تعداد خانوارهای مشمول آن و ناترازی بودجه در سال جاری به‌طور رسمی و شفاف انتشار یابد. برنامه انضباط مالی حداکثری از جمله بازنگری در بودجه سال 1401 براساس منافع مردم و نه گروه‌های خاص، تدوین و انتشار یابد و اجرا شود و ردیف‌های بودجه‌ای دربرگیرنده رانته‌ها و کم‌های آشکار و پنهان برای گروه‌ها و مراکز خاص که حذف آنها آسیبی به فعالیتهای ضروری دولت در اعمال حاکمیت و رفاه عمومی نخواهد زد حذف شود.

3- ارز ترجیحی مورد نیاز واردات کالاهای اساسی به ویژه گندم (تا زمان رفع نگرانی‌های امنیت غذایی در جهان) و دارو (تا زمان ایجاد سازوکارهای جبرانی در نظام تامین اجتماعی) تامین شود و از هر تصمیم و سیاستی که دربردارنده شوک‌های قیمتی برهم زننده تعادل برای گروه‌های آسیب‌پذیر باشد، به‌طور جدی پرهیز شود.

4- در مواردی، پرداخت یارانه نقدی برای اطمینان از جبران آسیب سیاست‌های قیمتی در اصابت به گروه‌های هدف موثر نیست. ضروری است با برخورداری از اطلاعات بهنگام و فناوری‌های نوین اطلاعاتی و همکاری نزدیک نظام بانکی و نظام توزیع کالا، همین یارانه پرداختی به صورتی کاملاً هدفمند، برای خرید کالاهای اساسی و تامین‌کننده امنیت غذایی در پایانه‌های خرید مشخص تعریف و تخصیص یابد.

5- انحصار دولتی واردات کالاهای اساسی به رقابت موثر اصلاح شود و علاوه بر شرکت‌های دولتی، به همه بازرگانان شناخته‌شده و مجاز اجازه داده شود کالاهای اساسی مورد نیاز کشور را به هر میزان با ارز صادراتی در بازارهای جهانی خرید و وارد کنند و ذخایر راهبردی کالاهای اساسی در سطحی اطمینان‌بخش تامین شوند.

سخن پایانی:

به بیان صریح و خلاصه، اصلاحات موفق قیمتی مستلزم مسوولیت‌پذیری گسترده همه ارکان حکومت؛ مشارکت مردم در تصمیمات؛ استفاده از دانش نخبگان؛ ارتباط گسترده با دنیا بر اساس موازین جهانی است. در پایان ضمن تاکید چندباره بر انگیزه امضاکنندگان این نامه مبني

بر کمک به اصلاح آشفته‌گی و نابسامانی موجود به سود مردم و درخواست توجه منصفانه به نقدهای کارشناسی داریم.  
دست خدا با مردم است.  
فردا که پیشگاه حقیقت شود پدید  
شرمنده رهروی که عمل بر مجاز کرد

**فهرست امضاکنندگان بیانیه اقتصاددانان خطاب به مردم شریف ایران**

- 1- ابراهیمی تقی دانشگاه فردوسی مشهد، 2- ارباب حمیدرضا دانشگاه علامه طباطبائی، 3- اصغرپور حسین دانشگاه تبریز، 4- افقه مرتضی دانشگاه شهید چمران اهواز، 5- اکبری نعمتاله دانشگاه اصفهان، 6- الهی ناصر دانشگاه مفید 7- اماموردی قدرت اله دانشگاه آزاد تهران، 8- امین اسماعیلی حمید جهاد دانشگاهی، 9- امینی مینو دانشگاه پیام نور، 10- اولاد محمود اقتصاد شهری، 11- آهنگری عبدالمجید دانشگاه شهید چمران اهواز، 12- باقری مجتبی دانشگاه مفید، 13- بخشی لطفعلی دانشگاه علامه طباطبائی، 14- بهبودی داود دانشگاه تبریز، 15- بهشتی محمدباقر دانشگاه تبریز، 16- پازوکی مهدی سازمان برنامه، 17- پیشبین جهانمیر دانشگاه شهید چمران اهواز، 18- تحصیلی حسن دانشگاه فردوسی مشهد، 19- تکیه مهدی دانشگاه علامه طباطبائی، 20- چینی‌چیان مرتضی دانشگاه علامه طباطبائی، 21- حسینی سید محمد پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، 22- ختایی محمود دانشگاه علامه طباطبائی، 23- خدایپرست مهدی دانشگاه فردوسی مشهد، 24- خلیلی تهرانی عبدالامیر دانشگاه شهید بهشتی، 25- دادگر یداله دانشگاه شهید بهشتی، 26- دل انگیزان سهراب دانشگاه رازی، 27- دهمرده نظر دانشگاه سیستان و بلوچستان، 28- دهکردی پروانه دانشگاه پیام نور، 29- راهداری مراد دانشگاه پیام نور، 30- ستاریفر محمد دانشگاه علامه طباطبائی، 31- سحابی بهرام دانشگاه تربیت مدرس، 32- شجری هوشنگ دانشگاه اصفهان، 33- شریف مصطفی دانشگاه علامه طباطبائی، 34- شریفزادگان محمد حسین دانشگاه شهید بهشتی، 35- صادقی تهرانی علی دانشگاه علامه طباطبائی، 36- صادقی صدقل حسین دانشگاه تربیت مدرس، 37- طاهری عبدالله دانشگاه علامه طباطبائی، 38- عاصی رضا دانشگاه علامه طباطبائی، 39- عبادی جعفر دانشگاه تهران، 40- عزیزی احمد معاون اسبق ارزی بانک مرکزی و مدرس دانشگاه، 41- عساری آرانی عباس دانشگاه تربیت مدرس، 42- عیسی‌زاده سعید دانشگاه بوعلی، 43- فیروزان توحید دانشگاه خوارزمی، 44- قنبری حسنعلی دانشگاه شهید بهشتی، 45- قنبری علی دانشگاه تربیت مدرس، 46- کریمی زهرا دانشگاه مازندران، 47- کیا الحسینی سید ضیاء الدین دانشگاه مفید، 48- لشکری محمد پیام نور

مشهد، 49- محمدزاده پرویز دانشگاه تبریز، 50- مزیکی علی دانشگاه علامه طباطبایی، 51- مصطفوی مهدی دانشگاه فردوسی مشهد، 52- مصطفوی منتظری سید حسن دانشگاه تربیت مدرس، 53- منصف عبدالعلی دانشگاه پیام نور، 54- موسایی میثم دانشگاه تهران، 55- موسوی میرحسین دانشگاه الزهراء، 56- موسوی حبیب دانشگاه آزاد اراک، 57- میرزایی حجت اله دانشگاه علامه طباطبایی، 58- مهدی خانی علیرضا دانشگاه آزاد اراک، 59- هادی زنوز بهروز دانشگاه علامه طباطبایی، 60- وره‌رامی ویدا دانشگاه شهید بهشتی، 61- یوسفی محمد رضا دانشگاه مفید

منبع: روزنامه اعتماد 21 خرداد 1401 خورشیدی